

تاریخ شفاهی هنرمعاصر ایران

نور آفرین خیلو گزیده
زندگی و آثار
کیومرث کیاست
سید امیر سقراطی

www.ketab.ir



این کتاب با حمایت گالری ساریان از مولف، تدوین شده است.

مؤلف: سید امیر سقراطی

چاپ اول | ۱۳۹۵-تیریز | ۱۰۰۰ جلد

هنر، کاریکاتور و نقاشی /

قطع رخی ۲۸×۲۱,۵ | ۱۸۶ صفحه | ب میتر ۱۲ | کاغذ ۱۱۰ گرمی کلاسه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۹۷-۲۰-۷

مدیر هنری و طراح گرافیک | محمد نوریان

عکاس | محمد عباس زاده

ویراستار | شهرنوش مهدوی

اجرای رایانه ای | ساسان لطفی

ناظر فنی چاپ | مهیار علی زاده، ایخان

لیتوگرافی، چاپ و صحافی | خجسته نوین

آدرس نشر موعام | تبریز | جایکنار | نرسیده به آبرسان | روبروی پل سنگی
جنب ساختمان کوثر | پلاک ۲۵۵

مارگاہ نشر | راه آهن | ابتدای جاده ایدم | کوچه سیلو | پلاک ۳۶ | تلفن: ۰۴۱ - ۳۴ ۷۸ ۱۹ ۷۰
همراه | ۰۹۱۴ ۱۱۵ ۱۲ ۲۳

info@mugham-pub.com

www.mugham-pub.com

قیمت ۴۰۰,۰۰۰ ریال

سرشناسه: سقراطی، سید امیر، ۱۳۵۸.

عنوان و نام پدیدآور: شورآفرین خلوت گزیده: زندگی و آثار

کیومرث کیاست/سید امیر سقراطی.

ویراستار: شهرنوش مهدوی.

موضوع: نشر، تیریز، انتشارات موعام، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۸۶ص: مصور(بخشی رنگی)، ۲۸×۲۱,۷ س م.

فروست: تاریخ شفاهی هنر معاصر ایران: ۱.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۹۷-۲۰-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه.

عنوان دیگر: زندگی و آثار کیومرث کیاست.

موضوع: کیاست، کیومرث، ۱۳۲۷ -

موضوع: کیاست، کیومرث، ۱۳۲۷ - نقد و تفسیر

موضوع: کاریکاتوریست های ایرانی - سرگذشتنامه

موضوع: کاریکاتورها و کارتون ها - ایران

شناسه افزوده: مهدوی، شهرنوش، 1360 - ویراستار

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۷ص/ک/۱۷۲۹ Nc

رده بندی دیویی: ۵۹۵۵/۷۴۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۰۱۸۷۹



فهرست

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
۱۳	فصل اول زندگی و آثار
۱۴	نگاهی کوتاه به زندگی و آثار هنرمند
۲۴	نظری بر کتاب (طرح های کیومرث کیاست)
۳۶	ردپای کیاست در کتاب های پس از انقلاب
۴۲	از نگاه منتقدان و نویسندگان
۶۰	نگاهی دیگر به دستاوردهای هنری کیاست
۷۵	فصل دوم رو در رو با کیومرث کیاست
۱۰۹	فصل سوم برگزیده ای از آثار
۱۶۵	آلبوم عکس ها
۱۷۸	پی نوشت
۱۸۷	منابع

پیشگفتار

ضرورت نگارش و نشر کتاب های تاریخ شفاهی هنر معاصر ایران، آن هم در حیطه ی هنرهای تجسمی امر تازه ای است و چه بسا در طول و عرض جریان نوگرایی هنر با سهل انگاری و غفلت نیز همراه بوده است.

متأسفانه هنرمندان مهمی در جریان نوگرایی هنر ایران در دهه های سی تا پنجاه خورشیدی بوده اند که نسل جوان هنر ایران و حتی بسیاری از کسانی که در هنر ایران پا به سن گذاشته اند، آن ها را نمی شناسند. این غفلت و انزوا اگرچه در برخی موارد به دلیل کم کاری خود هنرمند است، اما سهم جامعه ی هنری در فراموش کردن هنرمندان را نباید نادیده گرفت. افسوس و دریغ آنست که به بر اثر سهل انگاری جامعه، خانواده هنرمندان، و خود هنرمند آثار بسیار کمی از برخی از این هنرمندان مطرح بر جا مانده است. چه بسیار هنرمندان مطرحی که به دلیل تغییر ذائقه ی هنر که عمدتاً تحت تأثیر اقتصاد هنر و بازار کاذب فروش اثر هنری است، نه تنها از گردونه ی فروش اثر هنری خط خورده اند که حتی از برابر دیدگان مخاطبان هنرهای تجسمی هم برای همیشه حذف شده اند و با اینکه در کنج عزلت به طور جدی به کار مشغولند اما سال های متمادی آنطور که شایسته ی ایشان بوده، دیده نشده و قدر ندیده اند. این رفتار نامناسب، نافی مفهوم مستور در این عبارت است که: «هنرمند هر جا رود قدر ببند و در صدر نشیند»!

همچنانکه باید گفت در تألیف کتاب های پژوهشی درباره ی هنرمندان هنرهای تجسمی سهولت انگاری صورت گرفته، باید اذعان کرد که در زمینه ی تألیف و انتشار کتاب های پژوهشی درباره ی دهه ها و دوره های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی هم غفلت شده است و تألیف های محدودی درباره ی موضوعات متنوع پژوهشی در هنر معاصر وجود دارد. از جمله روند پیدایش نهادهای هنری، چگونگی تأسیس مجلات تخصصی و نشریات روشنفکری، حمایت های دولتی از «هنرمندان خاص»، سهم دولت ها در اعتباردهی به هنر، چگونگی آشنایی جامعه ی هنری با سبک ها و مکاتب هنری، اعتراضات سیاسی نهادهای دولتی در سهم خواهی از جریان هنر، بررسی نفوذ احزاب سیاسی موافق و مخالف دولت در هنر، مجادلات موشکافانه و یا غرض ورزانه ی عالی هری با یکدیگر، ارتباط هنر با جامعه ی مصرفی و توده ی عامه، نحوه ی نگرش روشنفکران به تقسیم بندی هنر متعهد و هنر برای هنر، چگونگی رونق اقتصادی هنر، سیستم آموزش هنر، مرام نامه ی انجمن ها و سندیکاها ی هنری، اساسنامه ی بینال ها، تاریخ برپایی نمایشگاه ها، مضامین سخنرانی ها و همایش ها، جایگاه هنر در نشریات، شیوه های گزارش نویسی و تحلیل اثر در روزنامه ها، و بسیاری موارد مهم دیگر.

پژوهش و نقد در عرصه ی هنرهای تجسمی ایران هیچ وقت امر جدی و مهمی تلقی نشده است. پژوهشگران و منتقدان در حاشیه قرار دارند و متأسفانه خود هنرمندان هم از اهمیت آرشو کردن اسناد هنری غافل هستند.

در این میان، برگ های پژوهش این سرزمین در شناساندن هنر و فرهنگ صد سال اخیر در برخی از موارد به جای پرداختن به زمینه های فکری و تحولات اجتماعی زمانه و نقد و بررسی همه ی جوانب شکل گیری یک رخداد فرهنگی، به ذکر خاطرات شخصی بدل شده که اگرچه در حیطه ی تاریخ شفاهی مهم و مؤثرند اما در اغلب شان تکه هایی از روح زمانه و حساسیت های فکری بانیان جریان های فکری و فرهنگی از قلم افتاده است.

خاطره نویسی و خاطره بازی با هنرمندان جای امر پژوهش جدی را گرفته است. هر چند خاطرات می تواند گره گشای برخی از سوءظن ها، بدگمانی ها، و تحقیقات نادرست باشد، اما عدم آشنایی هنرمندان با امر پژوهش باعث شده است که مواردی که از منظر یک پژوهشگر می تواند مهم باشد، از نظر هنرمند چندان جدی تلقی نشود. بنابراین برخی از مواردی که برای شناسایی دوره و زمانه ی هنرمند و بررسی اتفاقات هنری سال های گذشته می توانسته از جنبه ی تطبیقی و استدلالی ره گشا باشد دیگر در دسترس نیست. اما کار انجام نشده زیاد است و وقت کم، به همین دلیل ثبت کردن خاطرات، شکلی از جبران فرصت سوزی گذشتگان است تا فرصت ها برای تنظیم کردن تاریخ نانوشته ی هنر ایران از دست نرود.

شکل دیگر از ثبت تاریخ هنر ایران، تنظیم تاریخ هنرهای ایران به صورت گفت و گوی رودررو با هنرمند، آن هم با فاصله گرفتن از خاطره گویی است تا عواطف، احساسات، اندیشه، و جهان بینی او را بی پرده مستقیماً دریافت کرد و آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؛ کاری که در این کتاب انجام داده ام. کتاب حاضر - و کتاب های بعدی - کوششی است برای زنده نگه داشتن نام و آثار هنرمندان تأثیرگذاری که در دهه هایی از تاریخ هنر ایران همواره و بی وقفه کار کرده اند و بر جریان هنر تأثیر داشته اند و از پس سال ها بی مهری و یا غفلت به ار جایگاه اندیشه و عمل ایشان، اما همچنان کار می کنند. انتشار این کتاب ها تجلیلی است از انسان هایی بزرگ که تمام زندگیشان را بر پایه ی عشق به هنر بنا نهادند. دستاورد ایشان، بر هنر هنرمندان پس از خود تأثیر گذاشته است.

در این مجلد، پیش از ورود به گفت و گو، شایسته دانستم درباره ی هنرمند، آثار، و زمانه اش اطلاعاتی موجز و مختصر ارائه دهم تا خواننده پیش از آنکه به رودرروی نویسنده ی کتاب با هنرمند وارد شود، مختصری از جهان هنری هنرمند جهان بینی اش آگاه شود. بدیهی است که در پایان کتاب، خواننده با دیدن آثار هنرمند می تواند به تکه های گمشده از پازلی که در ذهن دارد، سامان دهد تا تصویر درستی و قریب درکی از اندیشه و عمل هنرمند نوگرای ایرانی به دست آورد.

سیدامیر سقراطی

مقدمه

کیومرث کیاست هنرمند متفکر و صاحب خداداد در حیطه‌ی کار، کاراتور روشنفکری است. هنرمندی که توانایی و استعدادش در هنر، او را فقط محدود به کاریکاتور نکرد و پنج دهه است که در زمینه‌های مختلف به طبع آثاری می‌پراکند. هنرمند پرکاری که در زمینه‌ی طراحی، نقاشی، طراحی جلد کتاب، طراحی آفیش، پوستر و بروشور چندین نمایش، تصویرگری چند کتاب کودکان، طراحی لوگوی چند انتشارات، و بیشتر از همه کاریکاتور نمایشگاهی و شرکت در جشنواره‌های جهانی کاریکاتور فعال بوده است.

وی از اولین گروه هنرمندان جریان نوگرایی در کاریکاتور ایران است که از حدود متعارف کاریکاتور فکاهی از جنس «توفیق» دوری جستند. اگرچه اردشیر محمصص آغازگر این راه بود، اما ممارست و پی جویی این جریان نوگرایی با حمایت هنرمندان و نشریات روشنفکری باعث شد این شکل از هنر کاریکاتور مقبول نظر عام و خاص شود که در نتیجه اینگونه آثار در نمایشگاه‌ها به نمایش درآمد. در کنار خرید و فروش شوند، به صورت کتاب منتشر شوند، و همزمان در نشریات روشنفکری و روزنامه‌های یومیه جای کارهای فکاهی را بگیرند.

اردشیر محمصص، کامبیز درم‌بخش، بیژن اسدی پور، پرویز شاپور، رضا شبیری، دانا شهیدی، مصطفی رمضانی، امین ا... رضایی، کیومرث کیاست، احمد سخاورد، آراییک باغداساریان، و... از این دسته بودند که برخی از آنها سابقه‌ی فعالیت در نشریه‌ی فکاهی «توفیق» را هم داشتند. اما کیومرث کیاست از کسانی بود که نه تنها با مجلات فکاهی کار نکرد، بلکه هیچوقت به سمت کاریکاتور با شرح، طنز، و عامه پسند روی نیاورد. در عوض به کاریکاتوری تمایل نشان داد که هم در طراحی نخبه گرا بود و هم در مفهوم، ابعادی فراتر از شوخی‌های عامیانه را در نظر داشت.

آنچه مجموعه کاریکاتوربست‌های نوگرا را بیشتر به چشم آورده ابعاد بین المللی اثرشان چه در مفهوم، چه در جرات، بیشتر این هنرمندان در ژانر مستقل طراحی خوش درخشیدند و بعدتر نقاشی را آزمودند؛ گویی دوری از کاریکاتور فکاهی و نزدیکی به اتمسفر هنرهای تجسمی، در زوایای کاریکاتور و نقاشی را کمتر کرده بود.

اما وجهی دیگر از شخصیت ممتاز این هنرمند متواضع و محبوب، اخلاق مناری و دوری اش از هیاهوی کاذب جریان‌های روشنفکری و گریزش از سهم خواهی هم صنفی هایش است.

استمرار مطالعه و اندیشیدن، آشنایی با ادبیات جهان، آزمون تاریخ هنر ایران، اشراف بر تاریخ هنر معاصر جهان، احاطه اش بر مباحث آموزش صحیح و اصولی هنرهای تجسمی، و البته پشتکار و فعالیت مداوم او را در هنر ایران ماندگار کرده است.

در دهه‌ی هفتاد خورشیدی و در فقدان منابع پژوهشی، خبری از تدوین تاریخ کاریکاتور نبود و نسل جوان کاریکاتوربست از پیشینه‌ی این هنر آگاهی نداشت. بدیهی است که در چنین شرایطی خیلی از این نام‌های مهم در دو جریان کاریکاتور روشنفکری و کاریکاتور فکاهی را بعدها و تک به تک کشف کردیم. هرچند که هم اکنون هم تعداد کتاب‌های پژوهشی کم هستند و در این مورد کارهای اساسی کمی به انجام رسیده است، اما دست کم می‌توان حالا در میان نشریات برجامانده از پنجاه سال پیش به این سو، گذر پریچ و خم کاریکاتور را در آسمان هنر ایران رصد کرد؛ هرچه باشد جایگاه و خواستگاه کاریکاتور چه فکاهی و چه روشنفکری، مطبوعات بوده و هست.

اولین آشنایی من با کاریکاتورهای کیومرث کیاست به سال ۱۳۷۴ برمی گردد. زمانی که در رشت دانش آموز سال آخر دبیرستان بودم. دو سه سالی بود که اردشیر محمصص را در کتابفروشی‌های قدیمی رشت کشف کرده بودم. کتاب هایش هنوز در کتابفروشی‌های شهر زادگاهش به فروش می‌رسید. دیدن کتاب‌های اردشیر آن هم در آغاز دهه‌ی هفتاد خورشیدی که کتاب‌های مستقل کاریکاتور در ایران چاپ نمی‌شد، لذت عجیبی بود. اما کشف کیومرث کیاست از طریق خرید کتاب

کاریکاتورهایش نبود. در ۱۷ فروردین ۱۳۷۴ با خاندان کتاب اعلی‌فه‌های سیاسی تألیف و تدوین محمود حکیمی^۲، با اثری از کیومرث کیاست آشنا شدم. یک سال بعد دیدن کیومرث کیاست در تبریز، «معجزاتی می‌مانست» در ۴ آذر ۱۳۷۵ در نمایشگاه «کاریکاتور شمالغرب کشور» در تبریز او را از نزدیک دیدم. در آن نمایشگاه در مقبره الشعراي تبریز، با آثارم به عنوان نماینده کاریکاتور گیلان حضور داشتم و کیاست یکی از داوران این نمایشگاه منطقه‌ای کاریکاتور بود. دیداری غیرمنتظره و خوشایند که در آن میشد یکی از هنرمندان مهم جریان کاریکاتور روشنفکری را از نزدیک دید. بی‌تردید آثار وی که در این نمایشگاه به نمایش درآمد از نقاط اوج درخشان کاریکاتور روشنفکری پیش از انقلاب بر می‌آید. در آن روز خاص، در نظرم به سرو خوش قامتی می‌مانست که با دست راستی که در آنجا بود در میان شاگردان بسیار؛ اما همچنان در عین خوش خویی، متواضع و خوددار از نشان دادن جایگاه رفیعش بود. و تواضع و نجابتش، رفتار و داندگی‌اش بود. افتادگی برای مردان راست قامت تاریخ، افت دارد. افتادگی از فروافتادگی است، رو به زمین کردن است و نه به آسمان نظر کردن. اما تواضع انسانی است که دست و قلبی بخشنده دارد. کیومرث کیاست در آن روز چنین بر چشم و قلبم نشست. تصویری که پانزده سال بعد در دومین دیدار هم، همان بود اما این بار در حلقه‌ی یاران و دوستان قدیمش بود با موهایی سپید. دیدار بعدی در ۱۵ اسفند ۱۳۹۰ در برج میلاد تهران، فرصتی دوباره برای تجدید خاطره بود. در مسابقه‌ی کاریکاتور «زندگی پیاده در شهر» که دبیری آن را بر عهده داشتم، اتفاق فرخنده‌ی تجلیل از پنج کاریکاتوریست پیشکسوت ایران را به سازمان زیباسازی شهر تهران پیشنهاد دادم. حضور کیومرث کیاست و حسین رحیم‌خانی که در این مسابقه دوم و سوم شده بودند، در کنار کاریکاتوریست‌های تجلیل شده یعنی آقایان رضا سعادت لطفی، کامبیز درم‌بخش، ناصر پاکشیر، احمد عبدالهی‌نیا، و احمد عربانی و حضور داوران مسابقه آقایان محمدعلی بنی‌اسدی و داود شهیدی شبی به یادماندنی برای کاریکاتور ایران فراهم آورده بود. کیومرث کیاست که همواره در جایگاه مهمی از کاریکاتور ایران قرار داشت، اما به دلیل حضور دائمی‌اش در تبریز، برای بسیاری از جوانان نامشخص ماند، چهره‌ای ناشناخته بود. در آن شب خاطره‌انگیز تجدید دیدارها، او برای اولین بار با بسیاری از همکاران هم‌طرازش دیدار می‌کرد که همگی در پهنه‌ی خراج آمار، هنر ایران ستاره‌هایی درخشان بودند همانند خود او.

کیومرث کیاست شورآفرین خلوت گزیده است. هنرمندی که بی‌اعتنا به رخدادهای جهان نبود اما بی‌اعتنا به بدی‌ها و رفتارهای دردآور اطرافیان بود. او همچنانکه به ترسیم جهان دست می‌زد، از انس گرفتن به آن اجتناب می‌کند.

آثارش آینه‌ای روبه‌روی این جهان است. واهمه‌های زندگی را به تصویر بدل کرد تا رمز و راز این زندگی به اوهام بدل نشوند. ازاینرو اگر در کارهایش واهمه و ترس وجود دارد اما واهم و توهم نیست. کارهایش یادمان می‌آورد که این جهان رمزآلود، پر از درد و خشم است و اگرچه انسان می‌تواند درد داشته باشد ولی می‌تواند بد و خشمگین و تباه نباشد. آثار کیاست در واقع خود اویند؛ مردی که بدخیمی این جهان ناپاک، او را بد و ناپاک نکرد. او یعنی رفتار و آثارش یک تصویر واحد هستند از مردی آرمانگرا که از کژی‌ها و ناراستی‌ها رها است و آثارش گزارش‌هایی هستند از زندگی ما به خود ما.

آرامان مرد هنرمند، اگرچه به سازی جهان از طریق اندیشه و عمل است، اما اگر جهان به سیاق و روش مرد هنرمند نگردد - که هیچ وقت نمی‌گردد - در نهایت آثار وی چه هولناک باشند و چه تفکربرانگیز، چه خیالی باشند و چه واقع‌گرا، صورت‌هایی هستند از جهان؛ فاش‌گویی و برملا کردنش است. و اگرچه هنر نمی‌تواند نهاد ناآرام جهان را تغییر دهد، اما استمرار هنرمند متفکر در خلق اثر یعنی شکلی از مبارزه برای تغییر نکردن به سمت پلیدی و تباهی. و هنر اندیشه و عمل است برای هنرمند و حکم مبارزه دارد. خواه به آرامش هنرمند دامن بزند و خواه او را ناآرام و پربیشان کند.

اگرچه کیاست در خلوت خویش به خلق و آفرینش مشغول است، اما فراموش نکنیم که در برخی از مواقع به اشتباه و یا از روی بُخل و کینه نام او در میان

کاریکاتورست ها کم رنگ شده و گاه از زری بی اطلاع و کم سوادی جایگاه او در تاریخ کاریکاتور مخدوش شده است. کیاست به گواه پیشینه ی هنری و آثار تأمل برانگیزش، قابل حذف نیست. سکوت و خلوت گزین یک هنرمند چه از سر جبر و چه از سر اختیار، نباید دلیلی بر ندیدن و حذف شدن شود! هنرمندی همچون کیومرث کیاست که از جایگاه اصلی خود در میان علاقه مندان و طرازهای طنزاندیش مطلع است در تمام این سال ها نیازی به حق طلبی ندیده است. اما تواضع و بزرگمنشی اش نباید باعث شود که نسل بعد از او جایگاهش را کتمان کند.

نام کیاست در تاریخ هنر ایران همواره با حجب و نیک خویی و انانیت همراه است. خواه دیگران آثارش را نادیده بگیرند و خواه بر سر دست ببرند، کیاست بی نیاز از تاریخ، در جغرافیای کاریکاتور روشنفکری ایران، درخشیده است.

گفت و گویی که در این کتاب می خوانید به رازگشایی زندگی و آثار کیومرث کیاست که شایانی کرده گره های درک آثار این هنرمند نوگرا را باز می کند و از جهان بینی و نکته سنجی اش در مواجهه با جهان خبر می دهد.

و البته برای اولین بار با همراهی این هنرمند روشنفکر، نکته هایی تأمل برانگیز از جهان روش تفکری دهه های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی برای علاقه مندان به تاریخ کاریکاتور ایران بازخوانی شده است و ارزش های اندیشمندانه ی کاریکاتورهای نو در پیش از انقلاب - پوشکافی می شود.

این گفت و گو در دو تاریخ انجام شده است. اولین گفتگو در ۲۶ مهر ۱۳۹۱ و دومین گفتگو در ۷ خرداد ۱۳۹۴. در گفتگوی دوم آقایان سجاد باغبان و محمد نوریان حضور داشتند که از همراهی و محبت این دو عزیز سپاسگزارم.

همچنین از همراهی برادرم، امین سقراتی، به خاطر در اختیار قرار دادن آرشیو نشریات دوره ی پهلوی از جمله «فته نامه ی «فردوسی»» سپاسگزارم و از همسر هنرمندم به خاطر همفکری و ارائه ی نظرهای اندیشمندانه اش کمال سپاس را دارم.

خرداد ۱۳۹۴، گیشا، تهران